

# پیمان الجزیره<sup>۱</sup>

دکتر منوچهر پارسادوست

آنچه در زیر به نظر خوانندگان ارجمند می‌رسد، فشرده‌ای است از مطالب چند بخش از کتاب «ماو عراق، از گذشته دور تا امروز»، آخرین اثر دانشمند گرانمایه جناب آقای دکتر منوچهر پارسادوست. یادآور می‌شود که در سالهای گذشته نیز گوشه‌ای از تلاشهای ارزشمند این پژوهشگر ژرف اندیش و میهن دوست در راستای پاسداری از حقوق ایران و منافع ملی، در کتابهای «نقش عراق در شروع جنگ» (۱۳۶۹)، «ریشه‌های تاریخی اختلافات ایران و عراق» (۱۳۷۰) و «نقش سازمان ملل در جنگ عراق و ایران» (۱۳۷۱) نمود یافته است.

پیش شرط» آغاز نمودند. دو کشور هیأت‌های نمایندگی خود را انتخاب کردند و آنها کمتر از سه ماه بعد از صدور قطعنامه پیش گفته در ۱۲ اوت ۱۹۷۴ (۲۱ مرداد ۱۳۵۳) در استانبول گرد آمدند. دو هیأت مدت ۱۷ روز تا ۲۸ اوت ۱۹۷۴ (۶ شهریور ۱۳۵۳) به مذاکره پرداختند. در مذاکره‌های استانبول توافق گردید که وزیران خارجه دو کشور بایکدیگر ملاقات نمایند. عباسعلی خلعتبری و شاذل طاقه وزیران خارجه ایران و عراق در ۱۱ اکتبر ۱۹۷۴ (۱۹ مهر ۱۳۵۳) هنگام شرکت در جلسه‌های سازمان ملل در نیویورک بایکدیگر ملاقات و مذاکره کردند. آنان مجدداً نیز از ۱۶ تا ۲۰ ژانویه ۱۹۷۵ (۲۶ تا ۳۰ دی ۱۳۵۳) در استانبول بایکدیگر ملاقات و مذاکره نمودند؛ زمینه‌های مناسبی که مذاکره‌های بالا برای حل همه جانبه اختلافهای دو کشور فراهم گردید. به صدور اعلامیه الجزیره گردید.

در ۱۹۷۴ هر دو کشور ایران و عراق به جهات خاص خود علاقه مند به رفع تنش و برقراری امنیت در مرزها بودند. نماینده ایران در جلسه‌های شورای امنیت ضمن رد ادعاهای عراق و متهم ساختن آن به بعضی تجاوزها علاقه دولت ایران را برای مذاکره مستقیم با عراق به منظور انعقاد قرارداد جدید که کلیه اختلافهای ایران و عراق را در بر گیرد اعلام داشته بود. دولت بعثی عراق نیز پس از سالها اختلاف با ایران، و با توجه به قدرت برتر نظامی ایران که در زو خوردهای مرزی آشکار گردیده بود ادامه اختلافها را با توجه به دشواریهایی که با آنها روبه‌رو بود جایز نمی‌دید. آن دولت نیز می‌دانست که مذاکره مستقیم گره‌گشای حل اختلافهای گوناگون آن با ایران خواهد بود. هر دو کشور از قطعنامه شورای امنیت استقبال کردند و طبق بندت ماده ۲ قطعنامه برای «حل همه جانبه کلیه مساله‌های دو کشور» مذاکره‌های مستقیم بین خود را «بدون هیچ گونه

۱) علامت‌گذاری قطعی مرزهای زمینی براساس پروتکل استانبول مورخ ۱۹۱۳ و صورت‌تجلسه‌های تحدید حدود مرزی ۱۹۱۴.

۲) تعیین مرزهای رودخانه‌ای براساس خط تالوگ.

۳) طرفین امنیت و اعتماد متقابل را مجدداً در طول مرزهای مشترک برقرار خواهند نمود و بنابراین متعهد می‌شوند که نظارت دقیق و مؤثر از مرزهای مشترک خود به منظور پایان دادن به هر نوع رخنه اخلاک‌گرانه صرف نظر از منشأ آن به عمل آورند.

۴) دو طرف همچنین موافقت نمودند که ترتیبات فوق عناصر جدانشدنی یک راه حل جامع می‌باشد و در نتیجه هرگونه خدشه به هر یک از عناصر متشکل آن اصولاً مغایر با روح توافق الجزیره خواهد بود.

○ پیمان الجزیره که مراد از آن، اعلامیه، قرارداد مرزی و همه پروتکل‌هایی است که به دنبال آنها امضا شده، اهمیت ویژه دارد. در میان قراردادهای متعددی که از پیمان آماسیه در ۲۹ مه ۱۵۵۵ (۸ رجب ۹۶۲ هـ.) تا نخستین سند پیمان الجزیره در ۶ مارس ۱۹۷۵ (۱۵ اسفند ۱۳۵۳) میان ایران و همسایه غربی آن- تا ۱۰ اوت ۱۹۲۰ (۱۹ مرداد ۱۲۹۹) با عثمانی و از آن پس با عراق- به امضا رسیده است، پیمان الجزیره بیشترین اهمیت را دارد. بی‌چون و چرا باید گفت که دولت و ملت ایران همواره باید به سند‌های پیمان الجزیره که پس از بررسی‌های دقیق و کارشناسانه تدوین و امضا شده است بعنوان تنها سند‌های مورد پذیرش در رابطه‌های ایران و عراق بنگرند و آنها را شالوده رابطه‌های دو کشور و پایه هر گونه گفتگو قرار دهند.

از ۴ تا ۶ مارس ۱۹۷۵ (۱۳ تا ۱۵ اسفند ۱۳۵۳) جلسه سالانه سران اوپک در الجزیره تشکیل گردید. شاه ایران و صدام حسین که در آن موقع نایب رئیس شورای فرماندهی انقلاب بود و عملاً بسیاری از امور عراق، به‌ویژه سیاست خارجی آن کشور را اداره می‌کرد در آن جلسه شرکت کردند. هواری بومدین رئیس جمهور الجزایر برای حل اختلاف‌های دو کشور ایران و عراق میانجی شد و سران هر دو کشور نیز با آن موافقت نمودند. در روزهای ۴ تا ۶ مارس ۱۹۷۵ دو جلسه طولانی با حضور هواری بومدین بین شاه و صدام حسین تشکیل گردید. در آخرین جلسه سران اوپک، هواری بومدین خطاب به سران کشورهای شرکت‌کننده اعلام داشت «خوشوقتم به اطلاع شما برسانم که روز گذشته یک توافق کلی بین دو کشور برادر ایران و عراق برای پایان دادن به اختلاف‌های آنها حاصل شد.» سران کشورها، به‌ویژه سران کشورهای عربی منطقه خلیج فارس که نگران وخامت اختلاف‌های ایران و عراق بودند از آن خبر به گرمی استقبال کردند. سران دو کشور ایران و عراق پس از پایان مذاکره اعلامیه مشترکی در ۶ مارس ۱۹۷۵ (۱۵ اسفند ۱۳۵۳) صادر کردند. این اعلامیه واجد اهمیت خاص است و چون اساس کلیه قراردادها و پروتکل‌های بعدی گردید متن کامل آن ترجمه و در زیر آورده می‌شود:

### اعلامیه الجزیره، ۶ مارس ۱۹۷۵

«هنگام جلسه‌های سران کشورهای عضو اوپک در الجزیره و با ابتکار رئیس جمهور بومدین، اعلیحضرت شاهنشاه ایران و جناب صدام حسین نایب رئیس شورای فرماندهی انقلاب دو بار ملاقات کردند و مذاکره‌های طولانی درباره رابطه‌های دو کشور به عمل آوردند. صفات مشخص این ملاقاتها که با حضور رئیس جمهور بومدین انجام گرفت صراحت کامل و علاقه صمیمانه هر دو طرف برای رسیدن به یک راه حل نهایی و دائمی در مورد کلیه مسأله‌های موجود بین دو کشور بود. در اجرای اصول [احترام به] تمامیت ارضی، مصون ماندن مرزها از تجاوز و عدم مداخله در امور داخلی، طرف‌های متعاقد تصمیم‌های زیر را اتخاذ نمودند:

بین سران دو کشور ایران و عراق به عمل آمده است. در آن اعلامیه تأکید شده است که هر دو طرف «علاقه صمیمانه» برای «رسیدن به یک راه حل نهایی و دائمی در مورد کلیه مسأله‌های موجود بین دو کشور» داشته‌اند....

با بررسی بندهای اعلامیه الجزیره روشن می‌شود که دولت ایران در بند اول اعلامیه، اختلاف بر سر مرزهای زمینی را به سود عراق حل کرده است. دولت ایران همواره مخالفت خود را با پروتکل استانبول (مورخ ۴ نوامبر ۱۹۱۳) و صورتجلسه‌های حدود مرزی (۱۹۱۴) که بر پایه آن پروتکل تنظیم شده بود اعلام و پیوسته حتی در نشستهای شورای جامعه ملل و سپس در نشستهای شورای امنیت، آشکارا و به گونه مستند به آنها اعتراض کرده بود. پروتکل و صورتجلسه‌های بالا، گذشته از تحمیلی و غیراصولی بودن، به تصویب مقامهای قانونی ایران و عثمانی نرسیده و فاقد هر گونه اعتبار و ارزش بود؛ ولی دولت عثمانی و سپس عراق که میراث‌دار آن شد در عمل از آنها در مورد مرزهای زمینی بهره بردند و «چند هزار کیلومتر مربع» از اراضی نفت خیز خانقین را در تصرف خود قرار دادند. در بند اول اعلامیه الجزایر، در واقع وضع موجود در مرزهای زمینی تأیید شد و دولت ایران به اعتراض خود پایان داد. در بند ۲ اعلامیه الجزیره مهمترین عامل اختلاف بین ایران و عراق به سود ایران حل گردید. گرچه طبق عرف بین المللی و سپس تأیید کنوانسیون بارسلن در ۲۰ آوریل ۱۹۲۲، رودهای مرزی زیر حاکمیت مشترک دو کشور کناره آن قرار دارد و عراق با پذیرش خط تالوگ در بخشی از شط العرب، در واقع واقعیت مورد قبول بین المللی را پذیرفته و به آن تمکین می‌کرد، ولی پافشاری عراق در داشتن حاکمیت انحصاری بر سراسر شط العرب در مرز مشترک - به استثنای محدوده کوچکی در برابر خرمشهر و آبادان - موجب تیرگی رابطه‌های دو کشور و شدت گرفتن آن شده بود. با بند ۲ اعلامیه، حاکمیت مشترک ایران در طول تقریبی ۸۱ کیلومتر از شط العرب که مرز ایران و عراق را تشکیل می‌دهد برقرار گردید و به مهمترین عامل اختلاف دو کشور پایان داده شد.

○ لغو یکجانبه پیمان الجزیره، قرارداد مرزی و پروتکل‌های آن بعنوان اسناد معتبر بین المللی، به هر عنوان و به هر بهانه، به حکم موآد صریح مذکور در متن قراردادهای بالا، موآد منشور ملل متحد، اعلامیه اصول حقوق بین الملل و موآد کنوانسیون وین غیر قانونی و از دید حقوقی یکسره مردود است.

دو طرف در تماس دائم با رئیس جمهور بومدین خواهند بود و ایشان در موقع لزوم مساعدت برادرانه الجزایر را برای اجرای تصمیمهایی که اتخاذ شده است ابراز خواهند داشت.

دو طرف تصمیم گرفته‌اند که پیوندهای سنتی حسن همجواری و دوستی را به ویژه با از بین بردن کلیه عاملهای منفی در رابطه‌های خود، تبادل نظر مداوم درباره مسأله‌های مورد علاقه مشترك و توسعه همکاریهای متقابل تجدید نمایند. دو طرف به طور رسمی اعلام می‌کنند که منطقه خلیج فارس باید مصون از هر گونه مداخله بیگانگان باشد.

وزیران خارجه عراق و ایران با حضور وزیر امور خارجه الجزایر در ۱۵ مارس ۱۹۷۵ در تهران ملاقات خواهند کرد و شرایط کار کمیسیون مشترك ایران و عراق را که باید تصمیمهای اتخاذ شده در توافق مشترك را به نحوی که در بالا گفته شد به مورد اجرا بگذارد معین خواهند نمود.

بر طبق تمایل دو طرف [نماینده] الجزایر در کلیه جلسههای کمیسیون مشترك ایران و عراق دعوت خواهد شد.

کمیسیون مشترك، دستور جلسه و روش اجرایی کار خود را معین خواهد کرد و در صورت لزوم جلسه‌ها به تناوب در بغداد و تهران تشکیل خواهد شد....

اعلامیه الجزیره، بی گمان مهمترین توافقی است که

رودخانه‌های مرزی و مقررات مربوط به کشتیرانی در شط العرب تنظیم و در ۲۶ دسامبر ۱۹۷۵ (۵ دی ۱۳۵۴) در بغداد امضا نمودند. پس از آن مجلسهای قانونگذاری دو کشور کلیه عهدنامه و پروتکل‌های مربوط به اعلامیه الجزیره را تصویب کردند. در ایران، مجلس شورای ملی در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۵ و مجلس سنا در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۵ آنها را تصویب نمودند و سندهای تصویب آنها در ۲۲ ژوئن ۱۹۷۶ (اول تیر ۱۳۵۵) در تهران مبادله شد. چون طبق ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد قراردادهای بین دو یا چند کشور باید در دفتر سازمان ملل متحد به ثبت برسند کلیه سندهای فوق به شماره‌های ۱۴۹۰۳ تا ۱۴۹۰۷ زیر عنوان «قراردادهای ایران و عراق» در دبیرخانه سازمان ملل متحد به ثبت رسید.

### عهدنامه مرزی ۱۹۷۵

عهدنامه مرزی ۱۹۷۵ که عنوان رسمی آن «عهدنامه مربوط به مرز دولتی و حُسن همجواری بین ایران و عراق» است مهمترین قراردادی است که بین دو کشور به امضا رسیده است. این عهدنامه با پروتکل‌های منضم به آن به همه اختلافهای دو کشور پایان داده است. . . . عهدنامه دارای يك مقدمه شایان توجه و ۸ ماده است. در مقدمه نسبتاً طولانی آن بر «اراده صادقانه» دو کشور برای «حل و فصل قطعی و پایدار کلیه مسأله‌های مابین اختلاف دو کشور» تأکید شده است. دو کشور از «پیوندهای همجواری تاریخی، مذهبی، فرهنگی و تمدنی» که از سده‌ها پیش از اسلام و بعد از آن بین دو

○ عهدنامه مرزی ۱۹۷۵ که عنوان رسمی آن «عهدنامه مربوط به مرز دولتی و حُسن همجواری بین ایران و عراق» است مهمترین قراردادی است که بین دو کشور به امضا رسیده است. این عهدنامه با پروتکل‌های منضم به آن به همه اختلافهای دو کشور پایان داده است.

عراق با بند ۳ اعلامیه الجزیره پیروزی بزرگی به دست آورد. کردهای بارزانی بزرگترین نگرانی دولت عراق و عامل به مخاطره افتادن قدرت آن بودند. کردها با حمایت همه‌جانبه ایران دشوارترین مشکل داخلی را برای دولت بعثی عراق به وجود آورده و ضربه‌های سنگینی به ارتش آن کشور وارد کرده بودند. با بند ۳ اعلامیه الجزیره وزیر عنوان «پایان دادن قطعی به هر نوع رخنه اخلاک‌گرا» دولت ایران متعهد می‌گردید. . . «نظارت دقیق» داشته باشد که در مرزهای ایران و عراق «امنیت» برقرار باشد.

بند ۴ بر جامع بودن توافق تأکید دارد و همه توافقات را يك واحد معین می‌پندارد و آنها را به هم پیوسته و تفکیک‌ناپذیر تلقی می‌کند. طبق بند ۴، آنچه در سه بند بالا قید گردیده است «عناصر جدانشدنی يك راه حل جامع می‌باشد و در نتیجه هر گونه خدشه به یکی از عناصر تشکیل دهنده آن» مغایر با روح توافق الجزیره خواهد بود. بند ۴ نشان می‌دهد که هر دو کشور ایران و عراق علاقه‌مند بوده‌اند کلیه اختلافهای خود را . . . يك بار برای همیشه حل کنند و دو طرف نیز خود را متعهد بدانند که راه‌حلهای مورد توافق را قطعی و دائمی تلقی کنند و از هر گونه اقدامی که ممکن است مفهوم عدم رعایت آنها را داشته باشد پرهیز نمایند. . . .

### قراردادهای همه‌جانبه

پس از صدور اعلامیه مشترك و تصمیم سران ایران و عراق که در ۱۵ مارس ۱۹۷۵ - فقط نه روز بعد از صدور اعلامیه بالا - وزیران خارجه ایران، عراق و الجزیره در تهران به مذاکره بپردازند، وزیران آن کشورها چند بار در تهران و بغداد جلسه تشکیل دادند و درباره حل کلیه مسأله‌های مورد اختلاف مذاکره و توافق کردند. . . .

وزیران خارجه ایران و عراق در ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ (۲۳ خرداد ۱۳۵۴) عهدنامه مرزی و حُسن همجواری، پروتکل مربوط به علامت‌گذاری مجدد مرز زمینی، پروتکل مربوط به تعیین حدود مرز رودخانه‌ای و پروتکل مربوط به امنیت مرز را در بغداد امضا نمودند.<sup>۴</sup> پس از آن، ایران و عراق چهار پروتکل تکمیلی نیز درباره کلاتران مرزی، تعلیف احشام، استفاده از آب

۲ برقراری خط تالوگ برای تعیین مرز رودخانه‌ای و در ماده ۳ جلوگیری «از هر نوع رخنه اخلاک‌گراانه» تصریح شده که برای هر يك از آنها پروتکل خاص به امضا رسیده است.

در ماده ۴، بر چهار نکته مهم تأکید شده است. نخست آنکه هر سه پروتکل بالا درباره مرزهای زمینی، رودخانه‌ای و امنیت مرزها، جزء تفکیک‌ناپذیر عهدنامه است. این تأکید به مفهوم آن است که مقررات مندرج در سه پروتکل بالا دقیقاً مانند مقررات مندرج در عهدنامه دارای اعتبار می‌باشد و الزام آور است. دوم آنکه مقررات مندرج در سه پروتکل «مقرراتی قطعی و دایمی و غیرقابل نقض» می‌باشد؛ برای همیشه وضع شده است و برای همیشه نیز باید مورد احترام و اجرا باشد. نکته سوم تأکید بر همبسته بودن آنها است و تصریح می‌کند که مقررات سه پروتکل «عناصر غیرقابل تجزیه يك راه‌حل کلی را تشکیل می‌دهند.» توجه به این اصل به مفهوم آن است که هر دو کشور درباره «يك راه‌حل» جامع که دربرگیرنده کلیه اختلافهای آنها باشد به توافق رسیده‌اند. طبق اصل بالا، هیچ يك از دو کشور تحت هیچ عنوان و در هیچ زمانی نمی‌تواند اعلام دارد که توافق مربوط به مرز رودخانه‌ای در شط‌العرب را قبول ندارد ولی به توافقیهای مربوط به مرز زمینی و امنیت در مرزها احترام می‌گذارد. سه توافق به هم پیوسته هستند و توافقی واحد را تشکیل می‌دهند.

نکته چهارم که نتیجه قهری اصل بالاست تأکید دارد که اگر «خدشه‌ای» به هر يك از سه توافق بالا وارد آید، یعنی اگر یکی از دو کشور، آن‌طور که تعهد و توافق نموده است مقررات مندرج در هر يك از سه پروتکل بالا را رعایت نکند «مغایر با روح توافق الجزیره» عمل نموده است. روح توافق الجزیره که در اعلامیه مشترک سران کشورهای ایران و عراق در ۶ مارس ۱۹۷۵ تجلی یافته است «تجدید دوستی»، «تجدید پیوندهای سنتی همجواری»، «احترام به تمامیت ارضی» یکدیگر و همچنین «مصون نگه داشتن مرزها از هر گونه تجاوز» و «عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر» می‌باشد.

با آنکه در ماده ۴ قرارداد مرزی ۱۹۷۵ تأکید شده است که مقررات مذکور در پروتکل‌های مربوط به تعیین

ملت ایران و عراق وجود داشته است یاد کرده‌اند و با تکیه بر آنها تصمیم خود را اعلام داشته‌اند که در راه «برقراری عصری جدید در مناسبات دوستانه بین ایران و عراق» کوشش شایسته خواهند نمود. در پایان مقدمه هر دو کشور اعلام کرده‌اند که با اعتقاد به لزوم «مشارکت در اجرای اصول» منشور ملل متحد و تحقق آرزوها و هدفهای آن «تصمیم به انعقاد عهدنامه حاضر گرفته‌اند.» در ماده ۱، علامت‌گذاری مجدد مرز زمینی، در ماده

○ با بررسی بندهای اعلامیه الجزیره روشن می‌شود که دولت ایران در بند اول اعلامیه، اختلاف بر سر مرزهای زمینی را به سود عراق حل کرده است. دولت ایران همواره مخالفت خود را با پروتکل استانبول (مورخ ۴ نوامبر ۱۹۱۳) و صورتجلسه‌های حدود مرزی (۱۹۱۴) که بر پایه آن پروتکل تنظیم شده بود اعلام و پیوسته حتی در نشستهای شورای جامعه ملل و سپس در نشستهای شورای امنیت، آشکارا و به گونه مستند به آنها اعتراض کرده بود. پروتکل و صورتجلسه‌های بالا، گذشته از تحمیلی و غیراصولی بودن، به تصویب مقامهای قانونی ایران و عثمانی نرسیده و فاقد هر گونه اعتبار و ارزش بود؛ ولی دولت عثمانی و سپس عراق که میراث‌دار آن شد در عمل از آنها در مورد مرزهای زمینی بهره بردند و «چند هزار کیلومتر مربع» از اراضی نفت خیز خانقین را در تصرف خود قرار دادند. در بند اول اعلامیه الجزیره، در واقع وضع موجود در مرزهای زمینی تأیید شد و دولت ایران به اعتراض خود پایان داد.

○ با آنکه در ماده ۴ قرارداد مرزی ۱۹۷۵ تأکید شده است که مقررات مذکور در پروتکل‌های مربوط به تعیین مرز زمینی، رودخانه‌ای و امنیت مرزها «قطعی، دائمی و غیر قابل نقض» است، در ماده ۵ بار دیگر این نکته آمده است که «در قالب غیر قابل تغییر بودن مرزها و احترام کامل به تمامیت ارضی دو دولت، طرفین معظمین متعاهدین تأیید می‌نمایند که خط مرزی زمینی و رودخانه‌ای آنان لایتغیر، دائمی و قطعی می‌باشد.»

پروتکل مربوط تصریح شده است رعایت کنند و هیچ‌یک از آن دو کشور حق ندارد به بهانه وجود اختلاف از رعایت آنها خودداری نماید.

ماده ۶ عهدنامه مرزی به گونه تلویحی هر دو کشور ایران و عراق را مکلف می‌سازد با استفاده از زور که در منشور ملل متحد و «اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل درباره رابطه‌های دوستانه و همکاری بین کشورها در انطباق با منشور ملل متحد» که در ۲۴ اکتبر ۱۹۷۰ و طی قطعنامه ۲۶۲۵ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده نیز منع گردیده است، در صدد حل اختلاف بر نیایند و نهایت دقت و خویشتن‌داری را به کار برند که اختلاف‌های خود را - هر چه هست - از راه‌های مسالمت‌آمیز و بر پایه ترتیبات مقرر در ماده ۶ حل کنند.

### پروتکل‌های<sup>۵</sup> قرارداد الجزیره

پروتکل مرز رودخانه‌ای دارای ۹ ماده است. در ماده ۱ دو کشور «تأیید و اذعان می‌نمایند که... مرز دولتی رودخانه‌ای در شط‌العرب بین ایران و عراق بر اساس خط تالوگ» و «طبق اسنادی» که به تفصیل در آن ماده شرح داده شده است می‌باشد. عراق پس از ۵۵ سال که از به وجود آمدن آن گذشت و پس از آن همه

مرز زمینی، رودخانه‌ای و امنیت مرزها «قطعی، دائمی و غیر قابل نقض» است، در ماده ۵ بار دیگر این نکته آمده است که «در قالب غیر قابل تغییر بودن مرزها و احترام کامل به تمامیت ارضی دو دولت، طرفین معظمین متعاهدین تأیید می‌نمایند که خط مرزی زمینی و رودخانه‌ای آنان لایتغیر، دائمی و قطعی می‌باشد.»

ماده ۶ عهدنامه مرزی واجد اهمیت خاص است. در این ماده ترتیبات دقیق و مشروحی در صورت بروز اختلاف بر سر چگونگی حل آن پیش‌بینی شده است. به موجب این ماده، دو کشور باید در مرحله اول با یکدیگر به‌طور مستقیم مذاکره دو جانبه به عمل آورند و در صورتی که در مدت دو ماه به حل اختلاف توفیق نیافتند در مدت سه ماه به میانجیگری دولت ثالث متوسل شوند. با آنکه ملاقات و مذاکره سران ایران و عراق در جلسه سران اوپک در الجزیره با میانجیگری هواری بومدین رئیس‌جمهور آن کشور انجام شد، و با آنکه طبق اعلامیه مشترک پیش‌گفته، وزیر خارجه الجزایر در کلیه جلسه‌های مذاکره برای رسیدن به توافق‌های بالا حضور داشت، نام دولت الجزایر به‌عنوان میانجی ذکر نگردید تا ایران و عراق با توجه به شرایطی که در زمان بروز اختلاف وجود خواهد داشت هر دولتی را بتوانند به‌عنوان میانجی انتخاب کنند. در ماده ۶ پیش‌بینی شده است که در صورت عدم موفقیت در حل اختلاف از طریق میانجی، یا اگر یکی از دو کشور ایران و عراق میانجیگری دولت ثالث را رد کند، هر دو کشور باید ظرف مدت یک ماه حل اختلاف را به داوری ارجاع کنند. بخش آخر ماده چگونگی ارجاع به داوری و توسل به رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری را روشن کرده است. در الحاقیه مربوط به ماده ۶ که در ۲۶ دسامبر ۱۹۷۵ در بغداد امضا شد چگونگی توسل به مقررات کنوانسیون لاهه مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌های بین‌المللی نیز معین شده است.

نکته مهم در ماده ۶ قرارداد مرزی ۱۹۷۵ آن است که ایران و عراق در صورت داشتن اختلاف در تفسیر یا اجرای هر یک از مواد عهدنامه مرزی موظف هستند مرزهای زمینی و آبی و امنیت مرزها را به گونه‌ای که در

«مقررات مربوط به کشتیرانی» در شط دارای «حقوق متساوی» می‌باشند و با موافقت یکدیگر مقررات مربوط را تصویب می‌کنند.

در ماده ۹ پروتکل مرز رودخانه‌ای که آخرین ماده پروتکل است دو کشور «اذعان» می‌کنند که «شط العرب اصولاً يك آبراه کشتیرانی بین المللی است.» پذیرش این واقعیت که شط العرب يك آبراه کشتیرانی بین المللی است به این وسوسه سیاسی عراق که چون شط تنهاراه دسترسی عراق به خلیج فارس است - بهانه‌ای که در نشست‌های شورای جامعه ملل و شورای امنیت سازمان ملل از سوی عراق عنوان شده بود - پس باید زیر تسلط انحصاری عراق باشد پایان می‌دهد و آن را فاقد اعتبار معرفی می‌کند.

پروتکل مرز زمینی درباره علامت گذاری مجدد مرز زمینی ایران و عراق دارای ۶ ماده است. در ماده ۱ بار دیگر پروتکل ۱۹۱۳ و صورت جلسه‌های ۱۹۱۴ معتبر شناخته می‌شود. ماده ۳ تصریح می‌کند که خط مرزی تعیین شده «فضای هوایی و زیرزمین» دو کشور را نیز معین می‌نماید. ماده ۶ تأکید می‌نماید که پروتکل مرز زمینی «کلیه مسأله‌های مرزی بین ایران و عراق را در آینده حل و فصل می‌نماید. طرفین بر این مبنای رسماً متعهد می‌شوند که مرز مشترک و قطعی فیما بین را محترم بشمارند.»

توجه به تاریخ طولانی اختلاف‌های مرزی بین ایران و عراق، هر دو کشور را نگران اختلاف‌های آینده نشان می‌دهد و برای اینکه بتوانند يك بار برای همیشه به این اختلاف‌ها پایان دهند، در هر جا که مقتضی بوده «قطعی» بودن مرز و لزوم «محترم شمردن» خطوط مرزی بین دو کشور را یادآور شده‌اند.

پروتکل مربوط به امنیت در مرز دارای يك مقدمه کوتاه و ۹ ماده است. در مقدمه تأکید می‌شود که به منظور «برقراری همکاری نزدیک فیما بین و جلوگیری از هر نوع عمل رخنه‌گرانه یا تردد غیرقانونی در مرز مشترک که هدف آن اخلاف و عدم انقیاد و شورش باشد» پروتکل بالا تدوین شده است.

در ماده ۱ دو دولت موافقت می‌کنند «به مبادله اطلاعات مربوط به تردد عناصر اخلاف‌گر که سعی

○ نکته مهم در ماده ۶ قرارداد مرزی ۱۹۷۵ آن است که ایران و عراق در صورت داشتن اختلاف در تفسیر یا اجرای هر يك از مواد عهدنامه مرزی موظف هستند مرزهای زمینی و آبی و امنیت مرزها را به گونه‌ای که در پروتکل مربوط تصریح شده است رعایت کنند و هیچ يك از آن دو کشور حق ندارد به بهانه وجود اختلاف از رعایت آنها خودداری نماید.

اختلافها و ناراحتیهایی که به دو ملت ایران و عراق صدمه‌های سنگین وارد آورد قاعده شناخته شده بین المللی در مورد مرز در رودهای مشترک بین دو کشور را پذیرفت. پذیرفته شدن خط تالوگ حاکی از آن است که دو کشور ایران و عراق بر شط العرب حاکمیت مشترک دارند.

ماده ۴ شایان اهمیت است. در این ماده تصریح شده است که خط مرزی در شط العرب «فضای هوایی و زیرزمین» نیمه‌ای از شط العرب را که متعلق به هر يك از دو کشور است معلوم می‌دارد. بدین ترتیب، هیچ يك از دو کشور حق نخواهد داشت به فضای هوایی دیگری در بالای نیمه شط تجاوز کند و از آن مهمتر، هر يك از دو کشور حق دارد در صورت کشف نفت یا هر ماده معدنی دیگر در زیرزمین نیمه شط که متعلق به آن است به استخراج و بهره‌برداری از آن بپردازد.

در ماده ۸ تأکید شده است که «مقررات مربوط به کشتیرانی در شط العرب توسط يك کمیسیون مختلط ایران و عراق - بر مبنای اصل حقوق متساوی کشتیرانی بین دو دولت - تنظیم خواهد شد.» این ماده به ادعای نادرست و غیر اصولی عراق در گذشته که کمیسیون مشترک برای اداره امور شط باید جنبه مشورتی داشته باشد و نمی‌تواند دارای حق تصمیم‌گیری باشد خاتمه می‌دهد و مقرر می‌دارد که دو کشور برای تعیین

هر گونه گفتگو قرار دهند.

قرارداد الجزیره به اختلاف طولانی دو کشور پایان داد و دوره‌ای - گرچه کوتاه - دور از تنش در رابطه‌های دو کشور ایجاد کرد. . . . و به هر دو کشور امکان داد که بی‌نگرانی از یکدیگر به اجرای برنامه‌های خود برای پیشرفت و توسعه بپردازند.

ویژگی برجسته قرارداد الجزیره جامع بودن آن است. ایران و عراق اختلافهای متعددی داشتند. افزون بر اختلاف بر سر مرز آبی و تعیین وضع حاکمیت بر شط العرب، درباره مرزهای زمینی نیز اختلاف داشتند. نبرد سنگین ۱۰ فوریه ۱۹۷۴ (۲۱ بهمن ۱۳۵۲) در مرزهای ایران و عراق، بویژه در بلندیهای زوال آب و رضا آباد، بر پایه گزارش «و کمن مونس» به دبیر کل سازمان ملل بیشتر بدان علت رخ داد که خطوط مرزی دو کشور در ناحیه قصر شیرین - مهران به ترتیب مقابل خانقین و بدره در خاک عراق معلوم نبود. بر پایه گزارش نماینده سازمان ملل که به تأیید مقامهای عراقی نیز رسید «مرز بین دو کشور در بیشتر نقاطی که برخوردارهای اخیر در آنها روی داده هرگز به طور دقیق

می‌کنند برای ارتکاب عملیات اخلاک‌گرا نه و عدم انقیاد یا شورش - به داخل یکی از دو کشور نفوذ کنند» مبادرت ورزند.

به موجب ماده ۲ دولت «هویت» آن افراد را به یکدیگر اطلاع خواهند داد. در ماده ۳ «معیبرهای نفوذی که ممکن است به وسیله عناصر اخلاک‌گرا مورد استفاده قرار گیرد» در سراسر مرز ایران و عراق تعیین شده است. طبق ماده ۷ «یک کمیته مختلط دائمی متشکل از رؤسای ادارات مرزی و نمایندگان وزارتخانه‌های امور خارجه دو کشور» به منظور «گسترش همکاری» ایجاد می‌گردد. در ماده ۹ دو کشور موافقت کرده‌اند که برای جلوگیری از رخنه عناصر اخلاک‌گرا در شط العرب «پستهای نظارت مجهز به قایقهای گشتی» ایجاد کنند.

در ۲۶ دسامبر ۱۹۷۵ (۵ دی ۱۳۴۵) علاوه بر سه پروتکل مربوط به کلانتران مرزی، تعلیف احشام و استفاده از آب رودخانه‌های مرزی، موافقتنامه‌ای نیز راجع به «مقررات مربوط به کشتیرانی در شط العرب» در بغداد به امضای رسید. این موافقتنامه که متن آن طولانی است دارای یک مقدمه، ۲۲ ماده و دو نامه ضمیمه که به امضای وزیران خارجه ایران و عراق رسیده است می‌باشد. . . .<sup>۶</sup>

### اهمیت پیمان الجزیره

پیمان الجزیره که مراد از آن، اعلامیه، قرارداد مرزی و همه پروتکل‌هایی است که به دنبال آنها امضا شده، اهمیت ویژه دارد. در میان قراردادهای متعددی که از پیمان آماسیه در ۲۹ مه ۱۵۵۵ (۸ رجب ۹۶۲ هـ.تا نخستین سند پیمان الجزیره در ۶ مارس ۱۹۷۵ (۱۵ اسفند ۱۳۵۳) میان ایران و همسایه غربی آن - تا ۱۰ اوت ۱۹۲۰ (۱۹ مرداد ۱۲۹۹) با عثمانی و از آن پس با عراق - به امضای رسیده است<sup>۷</sup>، پیمان الجزیره بیشترین اهمیت را دارد. بی‌چون و چرا باید گفت که دولت و ملت ایران همواره باید به سند پیمان الجزیره که پس از بررسی‌های دقیق و کارشناسانه تدوین و امضا شده است بعنوان تنها سند‌های مورد پذیرش در رابطه‌های ایران و عراق بنگرند و آنها را شالوده رابطه‌های دو کشور و پایه

○ در ماده ۹ پروتکل مرز رودخانه‌ای که آخرین ماده پروتکل است دو کشور «اذعان» می‌کنند که «شط العرب اصولاً یک آبراه کشتیرانی بین‌المللی است.» پذیرش این واقعیت که شط العرب یک آبراه کشتیرانی بین‌المللی است به این وسوسه سیاسی عراق که چون شط تنهاراه دسترسی عراق به خلیج فارس است - بهانه‌ای که در نشست‌های شورای جامعه ملل و شورای امنیت سازمان ملل از سوی عراق عنوان شده بود - پس باید زیر تسلط انحصاری عراق باشد، پایان می‌دهد و آن را بی اعتبار معرفی می‌کند.



الجزیره مرزهای دو کشور زیر نظر کارشناسان صلاحیتدار به گونه قطعی مشخص شد؛ مرزها علامت گذاری گردید و نقشه‌های دقیق سراسر مرز تهیه شد و پروتکل مربوط به علامت گذاری مجدد مرز زمینی به امضای نمایندگان دو طرف رسید. سعدون حمادی وزیر خارجه عراق که پروتکل مذکور را امضا کرد در سخنرانی خود به مجمع عمومی سازمان ملل در سوم اکتبر ۱۹۸۰ (۱۱ مهر ۱۳۵۹) اظهار داشت تعداد ستونهای علامت مرزی که در پروتکل ۱۹۱۳ بالغ بر ۱۲۶ عدد بود در ۱۹۷۵ به ۵۹۳ ستون افزایش یافت.<sup>۱</sup> با این اقدام یکی از مهمترین علتهای بروز اختلاف بین دو کشور برطرف گردید.

در پیمان الجزیره، حاکمیت بر شط العرب، طبق عرف معمول بین المللی و تأکید کنوانسیون بارسلن در ۲۰ آوریل ۱۹۲۲ در مورد رودهای واقع در مرز مشترک بر اساس خط تالوگ تعیین گردید و به اختلاف دیربای دو کشور درباره شط العرب که با دخالت تجاوز کارانه دولتهای انگلیس و روسیه در صدور یادداشت توضیحی در ۲۶ آوریل ۱۸۴۷ و محروم ساختن ایران از اعمال حاکمیت بر آن شط آغاز شده بود پایان داد.

افزون بر آنها، پروتکل مربوط به امنیت در مرز بین ایران و عراق و پروتکل‌های مربوط به کلاتران مرزی، تعلیف احشام و استفاده از آب رودخانه‌های مرزی و همچنین موافقتنامه مربوط به کشتیرانی در شط العرب تنظیم و از سوی نمایندگان دو کشور امضا گردید. پس از تصویب سندهای مهم بالا در مجلسهای قانونگذاری دو کشور، همه آنها در ۲۲ ژوئن ۱۹۷۶ (اول تیر ۱۳۵۵) در تهران مبادله و از همان تاریخ لازم الاجرا شد. بر پایه ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد قراردادهای بین دو و یا چند کشور باید در دفتر سازمان ملل متحد به ثبت برسد. به همین جهت - چنان که پیشتر گفته شد - همه سندهای بالا به شماره‌های ۱۴۹۰۳ تا ۱۴۹۰۷ زیر عنوان «قراردادهای ایران و عراق» در دبیرخانه سازمان ملل به ثبت رسید و بعنوان سندهای بین المللی اعتبار یافت.

پیمان الجزیره در میان همه قراردادهای ایران با همسایه غربی - عثمانی و سپس عراق - تنها قراردادی است که ضمن جامع بودن، بر پایه عدالت، انصاف و

مشخص نشده است. کمیسیون تحدید حدود مرز که پس از پروتکل ۱۹۱۳ استانبول تشکیل شد و همچنین قرارداد مرزی ۱۹۳۷ بین ایران و عراق هرگز کار را تمام نکرده‌اند) اگر هم در ناحیه‌هایی مرز دو کشور مشخص شده «در منطقه برخوردارها، مرز بین دو کشور هرگز به طور دقیق روی زمین علامت گذاری نشده یا [اگر شده اکنون] دیگر وجود ندارد.»

«و کمن مونیس» در گزارش خود تصریح نمود که منطقه برخوردارها، کوهستانی و «بیشتر از تپه‌ها» تشکیل شده و «به علت نبودن علامتهای مرزی دشوار است گفته شود که خط مرزی از خط الرأس یا دامنه یک تپه معین می‌گذرد.» او در گزارش خود افزود که ایران و عراق «نقشه‌هایی را که خطوط مرزی مختلفی را نشان می‌دهد مورد استفاده قرار داده‌اند و می‌دهند. به نظر می‌رسد هیچ یک از دو کشور از این واقعیت آگاه نباشند.»<sup>۸</sup> برای نخستین بار در رابطه‌های ایران با عراق، در قرارداد

### ○ پیمان الجزیره در میان همه قراردادهای

ایران با همسایه غربی - عثمانی و سپس عراق - تنها قراردادی است که ضمن جامع بودن، بر پایه عدالت، انصاف و برابری دو دولت که در منشور ملل متحد و حقوق بین الملل بر آنها تأکید شده، تدوین و امضا گردیده است. حتی سعدون حمادی وزیر خارجه عراق که قرارداد مرزی و پروتکل‌های مربوط به پیمان الجزیره را امضا کرده بود، در سخنرانی خود در سوم اکتبر ۱۹۸۰ (۱۱ مهر ۱۳۵۹) - ۱۱ روز پس از تجاوز عراق به ایران - در مجمع عمومی سازمان ملل، درباره پیمان الجزیره گفت که «جنبه‌های حقوقی و سیاسی آن پیمان متعادل بود.»

○ در پیمان الجزیره، حاکمیت بر شط العرب، طبق عرف معمول بین المللی و تأکید کنوانسیون بارسلن در ۲۰ آوریل ۱۹۲۲ در مورد رودهای واقع در مرز مشترک براساس خط تالوگ تعیین گردید و به اختلاف دیرپای دو کشور درباره شط العرب که با دخالت تجاوز کارانه دولتهای انگلیس و روسیه در صدور یادداشت توضیحی در ۲۶ آوریل ۱۸۴۷ و محروم ساختن ایران از اعمال حاکمیت بر آن شط آغاز شده بود پایان داد.

واگذار گردید و حق ایران در اعمال حاکمیت بر رود مرزی مشترک که مطابق عرف بین المللی و تأیید کنوانسیون بارسلن در ۲۰ آوریل ۱۹۲۲ است به رسمیت شناخته شد. مرز طولانی ایران و عراق که ۱۲۵۰ کیلومتر طول دارد و در گذشته به طور کامل علامت گذاری نشده بود توسط کارشناسان آگاه و با تجربه دو کشور مجدداً علامت گذاری و نقشه های دقیق آن تهیه شد. این قرارداد ضامن حفظ رابطه های حسن همجواری میان ایران و عراق است و همواره باید از طرف دولت و ملت ایران به عنوان تنها قرارداد مربوط به تعیین حدود مرز زمینی و آبی دو کشور شناخته شود و مورد حمایت جدی و دایمی قرار گیرد....

اقدام یکجانبه صدام حسین در لغو قرارداد الجزیره فاقد هرگونه ارزش حقوقی بود. برای آنکه این نکته به درستی توضیح داده شود، موضوع از دو جهت بررسی می شود:

#### ۱- از لحاظ متن قرارداد

در عقد يك قرارداد عنصر «قصد» و «اراده» از مبانی اصلی آن شناخته می شود و به کمک آن می توان درباره بسیاری دعوی که در مورد آن قرارداد مطرح می شود قضاوت کرد.

برابری دو دولت که در منشور ملل متحد و حقوق بین الملل بر آنها تأکید شده، تدوین و امضا گردیده است. حتی سعدون حمادی وزیر خارجه عراق که قرارداد مرزی و پروتکل های مربوط به پیمان الجزیره را امضا کرده بود، در سخنرانی خود در سوم اکتبر ۱۹۸۰ (۱۱ مهر ۱۳۵۹) روز پس از تجاوز عراق به ایران در مجمع عمومی سازمان ملل، درباره پیمان الجزیره گفت که «جنبه های حقوقی و سیاسی آن پیمان متعادل بود.»<sup>۱۰</sup> در سندهای قرارداد الجزیره بارها بر این تفاهم انگشت گذاشته شده است که اصول قرارداد و توافقها «قطعی»، «دایمی»، «تغییر ناپذیر» و «غیر قابل نقض» است. این تفاهم به بهایی بس سنگین و پس از سالیان دراز اختلاف و تنش میان دو کشور به دست آمد و گرچه صدام حسین (امضاکننده اعلامیه الجزیره) آنرا نادیده گرفت، ولی بار دیگر مورد تأیید او قرار گرفت و بجا و ضروری است که همچنان مورد تأکید واقع شود و روح قرارداد الجزیره که مبتنی بر رفع دایمی هرگونه اختلاف بین دو کشور و ایجاد شرایط لازم برای برپا داشتن بهترین رابطه های دوستانه بین ایران و عراق است همواره و همیشه حاکم بر رابطه های دو کشور باشد.

#### قرارداد الجزیره همچنان معتبر است

قرارداد الجزیره - اعلامیه الجزیره، عهدنامه مرزی و پروتکل های متعدد آن - مهم ترین، جامع ترین و عادلانه ترین قراردادی است که در طول بیش از ۴۶۱ سال - از نخستین جنگ عثمانی با ایران در چالدران - ۲ رجب ۹۶۲ هـ. (۲۳ اوت ۱۵۱۴) - تا ۲۶ دسامبر ۱۹۷۵ (۵ دی ۱۳۵۴) که آخرین پروتکل قرارداد الجزیره امضا شد - میان ایران و همسایه غربی آن منعقد شده است. اهمیت این قرارداد در آن است که هر دو کشور ایران و عراق برای پایان دادن به اختلاف های درازمدت که از بدو تاسیس کشور عراق در ۱۰ اوت ۱۹۲۰ (۱۹ مرداد ۱۲۹۹) تا امضای قرارداد الجزیره میان آنها وجود داشته است با این تصمیم قطعی که برای همیشه به آن اختلافها پایان دهند به مذاکره با یکدیگر پرداخته اند و در آن قرارداد، حق و حقوق بین الملل رعایت شده است. اراضی که در تصرف عراق بود به آن

حل شدن «همه اختلافها برای همیشه» از همان نخستین عبارت آن آشکار می‌شود. قرارداد مرزی با این عبارت آغاز می‌شود: «نظر به اراده صادقانه طرفین... برای نیل به حل و فصل قطعی و دائمی کلیه مسأله‌های مابعد اختلاف دو کشور...» و آنگاه تصریح می‌گردد که «طرفین بر اساس... به علامت گذاری مجدد و قطعی مرز زمینی و... مرز رودخانه‌ای مبادرت کرده‌اند.»

برای نشان دادن عزم قطعی امضاکنندگان به حل همه اختلافها برای همیشه، و ایجاد محیط دوستانه در رابطه‌های خود و از میان بردن هرگونه برداشت که احتمال لغو شدن پیمان را به ذهن آورد، در عهدنامه تأکید شده است که «با تمایل به تحکیم پیوندهای مودت و حسن همجواری و تشیید مناسبات فیما بین... بر اساس اصل تمامیت ارضی و مصونیت مرزها از تجاوز...» «با تصمیم به بذل مساعی در جهت برقراری عصری جدید در مناسبات دوستانه...» طرفین «تصمیم به انعقاد عهدنامه حاضر گرفتند» و سپس در ماده ۴ عهدنامه مرزی، در مورد همه مقرراتی که در پروتکل‌های ضمیمه بر سر آنها توافق شده، آمده است که آنها «مقرراتی قطعی و دائمی و غیر قابل نقض» می‌باشند؛ طرفین به این نیز بسنده نکرده‌اند و در ماده ۵ عهدنامه بار دیگر یادآور شده‌اند که «در قالب غیر قابل تغییر بودن مرزها... خط مرز زمینی و رودخانه‌ای آنها تغییر ناپذیر و دائمی و قطعی می‌باشد.»

کمتر قراردادی دیده شده است که امضاکنندگان آن تا این اندازه اراده قطعی خود را برای حل اختلافهای موجود ابراز داشته باشند. بدین سان دو دولت پس از سالها دشمنی، جنگ سرد تبلیغاتی و زدوخوردهای پراکنده مرزی به جایی رسیدند که بتوانند با هم توافق کنند، به دشمنیها پایان دهند و «عصری جدید در مناسبات دوستانه» خود پدید آورند. دو طرف با علاقه و اصرار، آن توافقه‌ها را غنیمت شمردند و بیش از اندازه متعارف و معمول در قراردادهای دوستانه، بر لزوم محترم شمردن آنها تأکید کردند. رهبران دو کشور با امضای خود، اراده قطعی خویش را برای نگهداری و پاسداشت توافقه‌ها اعلام داشتند و به یکدیگر و به ملت‌های دوست ایران و عراق... اطمینان دادند که این پیمان نه

○ در قرارداد مرزی که مهمترین توافق دو کشور پس از اعلامیه الجزیره است، اراده رهبران دو کشور دایر بر حل شدن «همه اختلافها برای همیشه» از همان نخستین عبارت آن آشکار می‌شود. قرارداد مرزی با این عبارت آغاز می‌شود: «نظر به اراده صادقانه طرفین... برای نیل به حل و فصل قطعی و دائمی کلیه مسأله‌های مابعد اختلاف دو کشور...» و آنگاه تصریح می‌گردد که «طرفین بر اساس... به علامت گذاری مجدد و قطعی مرز زمینی و... مرز رودخانه‌ای مبادرت کرده‌اند.»

در اعلامیه الجزیره، قرارداد مرزی و پروتکل‌های منضم به آن، امضاکنندگان نه تنها در هیچ مورد به صراحت یا به قرینه نشانه‌ای از احتمال لغو شدن آنها یا نیت خود در این زمینه به دست نداده‌اند، بلکه آگاهانه و با قاطعیت در هر مورد که اقتضا داشته علاقه صادقانه و اراده قطعی خود را برای حفظ توافقه‌های به دست آمده... بویژه در مورد قطعی بودن و دائمی بودن مرزها ابراز داشته‌اند.

در نخستین توافق سران دو کشور - اعلامیه الجزیره مورخ ۶ مارس ۱۹۷۵ - درباره دیدار آنان تأکید شد که «صفات مشخص این ملاقاتها... صراحت کامل و علاقه صمیمانه هر دو طرف برای رسیدن به يك راه حل قطعی و دائمی در مورد کلیه مسأله‌های موجود بین دو کشور» است و در جای دیگر آن تصریح شد که «طرفین تصمیم گرفته‌اند که پیوندهای سنتی حسن همجواری و دوستی را مخصوصاً با از بین بردن کلیه عامل‌های منفی در رابطه‌های خود... تجدید نمایند.»

در قرارداد مرزی که مهمترین توافق دو کشور پس از اعلامیه الجزیره است، اراده رهبران دو کشور دایر بر

است که این اقدام باید «باروحی توأم با حُسن همجواری و همکاری و به منظور اجتناب از هر نوع اختلاف» به عمل آید و ماده ۶ پروتکل تأیید می‌کند که «طرفین متعهدین توافق دارند که مفاد پروتکل حاضر که بدون هیچ قید و شرط به امضای رسیده، کلیه مسأله‌های مرزی بین ایران و عراق را در آینده حل و فصل می‌نماید. طرفین بر این مبنا رسماً متعهد می‌شوند مرز مشترک و قطعی فی‌مابین را محترم بشمارند...».

توجه به این نکته مهم حقوقی ضرورت دارد که عبارتهای ماده ۶ عهدنامه مرزی آشکارا گویای این واقعیت است که دولت ایران و عراق با امضای عهدنامه مرزی و برپایه ماده ۶ آن حق هر گونه تفسیر نهایی را از خود سلب و موافقت کرده‌اند که اگر به هر علت تفسیری از بیانات یا اعمال طرف دیگر داشته باشند که آن طرف با آن موافق نباشد و بطور کلی هر گونه اختلاف «در باره تفسیر یا اجرای عهدنامه حاضر و سه پروتکل و ضمایم آنها» را تنها باید به ترتیبی که در بندهای ماده ۶ توافق شده است حل کنند...

## ۲- از لحاظ حقوق بین الملل

### الف- منشور ملل متحد

منشور ملل متحد مهمترین و معتبرترین سند حقوق بین الملل است. همه قواعد حقوق بین الملل در صورتی

○ در اعلامیه الجزیره، قرارداد مرزی و پروتکل‌های منضم به آن، امضاکنندگان نه تنها در هیچ مورد به صراحت یا به قرینه نشانه‌ای از احتمال لغو شدن آنها یا نیت خود در این زمینه به دست نداده‌اند، بلکه آگاهانه و با قاطعیت در هر مورد که اقتضا داشته علاقه صادقانه و اراده قطعی خود را برای حفظ توافقیهای به دست آمده بویژه در مورد قطعی بودن و دایمی بودن مرزها ابراز داشته‌اند.

برای زمان ما و نسل ما بلکه برای همه زمانها و همه نسلها محترم خواهد بود و برای همیشه قطعی و تغییرناپذیر است و هرگز لغو نخواهد شد.

امضاکنندگان قرارداد برای آنکه جای هر گونه بدفهمی و چون و چرای احتمالی در تفسیر یا اجرای توافقها نباشد، ماده ۶ عهدنامه مرزی را با جامعیت کامل تدوین و باراهکارهایی که در آن پیش‌بینی کردند کوشیدند نشان دهند که هرگز خللی به استواری ارکان این قرارداد وارد نخواهد آمد. در ماده ۶ روشن کرده‌اند که «در صورت اختلاف در باره تفسیر یا اجرای عهدنامه حاضر و سه پروتکل و ضمایم آنها...» چگونه باید برای از میان برداشتن آن اقدام کرد. ولی پیش از آنکه گفته شود چه کارهایی باید انجام گیرد، بر این نکته انگشت گذاشته شده است که با وجود هر گونه اختلاف در تفسیر یا اجرای عهدنامه باید «مسیر خط مرز ایران و عراق» به درستی رعایت شود. یعنی هیچ یک از طرفین حق ندارد برای هر اختلافی، به هر نحو و به هر شدتی که باشد، اعم از آنکه در باره تفسیر مواد عهدنامه یا چگونگی اجرای آن باشد کوچکترین تغییری در «مسیر خط مرز ایران و عراق» بدهد. ماده ۶ عهدنامه هر دو دولت ایران و عراق را مکلف می‌سازد که به بهانه وجود اختلاف در تفسیر یا اجرای عهدنامه، به مرزهای یکدیگر تجاوز نکنند و بر این نکته تأکید می‌ورزد که دو دولت مجاز نیستند «مسیر خط مرز ایران و عراق» را که بر پایه «علامت گذاری مجدد مرز زمینی دولتی بین ایران و عراق»<sup>۱۱</sup> و «تعیین مرز دولتی رودخانه‌ای در شط العرب بین ایران و عراق بر اساس خط تالوگ»<sup>۱۲</sup>، «توسط کمیته مختلط ایران و عراق و الجزایر»<sup>۱۳</sup> مشخص شده است، تغییر دهند.

در پروتکل راجع به علامت گذاری مجدد مرز زمینی میان ایران و عراق، بار دیگر و به گونه‌ای دیگر، بر لزوم رعایت موازین حُسن همجواری و همچنین التزام دو کشور به قطعی دانستن مرزهای دو کشور و محترم شمردن آنها تأکید شده است. در ماده ۴ پروتکل که مربوط به تشکیل «یک کمیسیون مختلط عراقی و ایرانی» است تا به وضع اموال منقول و ساختمانهایی که «تعلق ملی آنها به سبب علامت گذاری مجدد مرز زمینی ایران و عراق تغییر می‌یابد» رسیدگی کند تصریح شده

بنابراین، یکی از هدفها از برپایی سازمان ملل آن است که شرایطی در جهان به وجود آید که کشورها «عدالت» را در رابطه‌های خود رعایت کنند و به «تعهدهای ناشی از قراردادها» و «دیگر منابع حقوق بین‌الملل» که منشور ملل متحد مهم‌ترین آنها است احترام بگذارند. برای تأمین این نظر است که منشور ملل متحد در بند ۱ از ماده ۱۰۲ از همه کشورهای عضو می‌خواهد که هر گونه پیمانی با کشورهای دیگر بسته‌اند در دبیرخانه سازمان ملل به ثبت برسانند و در بند ۲ از همان ماده تصریح می‌کند که اگر کشوری قراردادها را خود را در دبیرخانه سازمان ثبت نکند نمی‌تواند در هیچ یک از نهادهای وابسته به ملل متحد به آن استناد کند.

چنان که پیشتر گفته شد، همه قراردادها ایران و عراق به شماره‌های ۱۴۹۰۳ تا ۱۴۹۰۷ در دبیرخانه سازمان ثبت شده است. ثبت قراردادها در دبیرخانه سازمان دارای آثار حقوقی و یادآور آن است که کشور امضاکننده قرارداد، همچنان که موظف به رعایت «دیگر منابع حقوق بین‌الملل» و از جمله منشور ملل متحد است، باید تعهدهای خود در قرارداد را نیز رعایت و اجرا کند....

#### ب- اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل

مجمع عمومی سازمان ملل متحد به دنبال ۷ قطعنامه‌ای که از ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۹ صادر کرد،<sup>۱۴</sup> در ۲۴ اکتبر ۱۹۷۰ قطعنامه شماره ۲۶۲۵ «اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل در باره رابطه‌های دوستانه و همکاری میان کشورها در انطباق با منشور ملل متحد» را تصویب کرد. اصولی از منشور ملل متحد که در این اعلامیه آمده است، بر پایه بند ۳ بخش عمومی آن «اصول اساسی حقوق بین‌الملل» شناخته می‌شود و از همین رو دارای اعتبار ویژه است.

بر پایه اصل دوم از اصول هفتگانه اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل، «همه کشورهای اختلاف‌های بین‌المللی خود را با وسیله‌های مسالمت‌آمیز و به گونه‌ای که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به مخاطره نیفتد حل و فصل خواهند کرد.»<sup>۱۵</sup> در این اصل پس از آنکه تأکید می‌شود که هر کشور باید اختلاف‌های خود را با کشور دیگر را از راهها و با ابزارهای مسالمت‌آمیز حل کند، راههایی که

○ یکی از وظیفه‌هایی که منشور ملل متحد به عهده هر کشور عضو سازمان ملل متحد می‌گذارد، محترم شمردن پیمانهای است که با کشورهای دیگر بسته است. منشور از هر کشور عضو می‌خواهد وظیفه‌ها و تعهدهایی را که به موجب قراردادها خود با هر کشوری پذیرفته است با دقت و به درستی انجام دهد. منشور پیش از ماده اول تأکید می‌کند که «به منظور برقراری شرایطی که در آن عدالت و احترام به تعهدهای ناشی از قراردادها و دیگر منابع حقوق بین‌الملل بتواند حفظ شود» سازمان ملل متحد برپا می‌شود.

می‌تواند معتبر شناخته شود که در راستای هدفها و مقاصد مندرج در منشور ملل متحد باشد. بر پایه منشور، هر کشور عضو سازمان ملل وظیفه‌ها و تعهدهایی دارد که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و ایجاد محیطی که در آن کشورها بتوانند با یکدیگر رابطه‌های دوستانه داشته باشند، ناگزیر از رعایت آنهاست. یکی از وظیفه‌هایی که منشور ملل متحد به عهده هر کشور عضو سازمان ملل متحد می‌گذارد، محترم شمردن پیمانهایی است که با کشورهای دیگر بسته است. منشور از هر کشور عضو می‌خواهد وظیفه‌ها و تعهدهایی را که به موجب قراردادها خود با هر کشوری پذیرفته است با دقت و به درستی انجام دهد. منشور با این عبارت تکان دهنده و شوق‌انگیز آغاز می‌شود که «ما ملل متحد تصمیم گرفته‌ایم» و پیش از ماده اول تأکید می‌کند که «به منظور برقراری شرایطی که در آن عدالت و احترام به تعهدهای ناشی از قراردادها و دیگر منابع حقوق بین‌الملل بتواند حفظ شود.» سازمان ملل متحد برپا می‌شود.

vanda درباره لزوم محترم شمردن قراردادهای و رعایت آنهاست. بر پایه این ماده هر کشور «باید»<sup>۱۶</sup> قراردادهای خود با کشور دیگر را با «حسن نیت» به اجرا بگذارد. متن ماده حاکی است «هر قراردادی که به قوت خود باقی است، طرفین آن را ملزم به رعایت [مواد] آن می‌کند و باید با حسن نیت از سوی آنها اجرا شود.» در این ماده به گونه‌ی يك وظيفه الزامی و تکلیف از کشورها خواسته شده است که قراردادهای خود را محترم بشمارند و طبق تعهدهای مندرج در آن و با حسن نیت عمل کنند. دولت عراق بر پایه ماده ۶ عهدنامه مرزی برای حل هر گونه اختلاف خود با دولت ایران متعهد بود که به راهکارهای پیش‌بینی شده در آن ماده متوسل شود و می‌بایست با «حسن نیت» و با قصد پایان دادن به اختلافهای خود با ایران، از راههای پیش‌بینی شده در آن ماده اقدام کند. ولی دولت عراق برخلاف وظیفه‌ای که بر پایه ماده ۲۶ کنوانسیون وین داشت به تعهدهای خود در ماده ۶ عهدنامه مرزی عمل نکرد و برخلاف روح موافقتنامه الجزیره و برخلاف علاقه و اراده ویژه‌ای که در مواد عهدنامه مرزی و پروتکل‌های آن برای دوام همیشگی آنها ابراز شده بود، آنها را لغو کرد؛ کاری نادرست و بی‌ارزش از دید حقوقی و اخلاقی که ناگزیر از بازگشت از آن شد.

ماده ۳۱ کنوانسیون وین نیز از مهمترین موادی است که از دید حقوقی برای اثبات تقصیر عراق در لغو موافقتنامه الجزیره، عهدنامه مرزی و پروتکل‌های آن کاربرد می‌یابد. این ماده در بخش ۳ کنوانسیون زیر عنوان «تفسیر قراردادها» آمده است. بر پایه بند ۱ ماده ۳۱ کنوانسیون وین «هر قرارداد با حسن نیت و بر طبق معنای متداولی که به اصطلاحات مذکور در قرارداد داده می‌شود و با توجه به هدف و مقصود آن قرارداد تفسیر خواهد شد.»

مراد از حسن نیت آن است که از هر گونه بهانه‌جویی برای پیشبرد مقاصد خاص خودداری و کوشش شود که قرارداد بر اساس «عدالت و حقوق بین‌الملل» و با احترام به مواد منشور ملل متحد و دیگر منابع حقوق بین‌الملل و با احترام به تعهدهای کشور در قرارداد و با این قصد که رابطه‌های دوستانه میان کشورهای طرف قرارداد بهبود

در بند ۱ ماده ۳۳ منشور ملل متحد آمده است بار دیگر گوشزد و سپس مقرر می‌شود که طرفین يك دعوا چنانچه به شیوه‌های یاد شده توسل جستند، ولی نتیجه نگرفتند و نتوانستند اختلافهای خود را حل کنند «باید به کوششهای خود برای حل اختلافهای خویش با ابزارهای مسالمت‌آمیز دیگری که درباره آنها توافق می‌کنند ادامه دهند». در اصل بالا که از اصول مهم حقوق بین‌الملل است تأکید می‌شود «کشورهایی که دو طرف يك دعوی بین‌المللی هستند و همچنین دیگر کشورها از هر اقدامی که ممکن است وضع را وخیم کند به گونه‌ای که صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره اندازد خودداری و بر طبق مقاصد و اصول منشور ملل متحد عمل خواهند کرد»...

هفتمین و آخرین اصل در اعلامیه حقوق بین‌الملل آن است که کشورها باید با حسن نیت تعهدهای خود را انجام دهند. در این اصل تأکید شده است که «هر کشور وظیفه دارد تعهدهایی را که بر طبق منشور ملل متحد به عهده دارد با حسن نیت انجام دهد». همچنین تأکید شده است که «هر کشور وظیفه دارد تعهدهای خود در قراردادهای بین‌المللی را که از نظر اصول شناخته شده عمومی و قواعد حقوق بین‌الملل معتبر است با حسن نیت انجام دهد.»

چنان که می‌دانیم، دولت بعثی عراق تعهدهای خود بر پایه منشور ملل متحد را نادیده گرفت و به تعهدهایی که طبق عهدنامه مرزی و پروتکل‌های آن و بویژه ماده ۶ عهدنامه مرزی به عهده داشت احترام نگذاشت و بدین سان احکام مقرر در اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل را نادیده گرفت.

#### پ - کنوانسیون وین

کنوانسیون وین چون تنها دربرگیرنده اصول حقوق بین‌الملل درباره قراردادهای بین‌کشورهاست و در مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۲ مه ۱۹۶۹ به تصویب رسیده است از اعتباری ویژه در حقوق بین‌الملل برخوردار است و سازمان ملل، شورای امنیت و دیگر نهادهای بین‌المللی در موارد مربوط به پیمانها میان کشورها به آن استناد می‌کنند.

ماده ۲۶ کنوانسیون وین با عنوان Pacta Sunt Ser-

یابد و تحکیم شود تفسیر گردد. . . .

نکته برجسته دیگر در بند ۱ ماده ۳۱ کنوانسیون وین، آن است که تفسیر يك واژه یا اصطلاحی که در قرارداد به کار رفته است باید «با توجه به هدف و مقصود آن قرارداد» صورت پذیرد. . . . «هدف و مقصود» موافقتنامه الجزیره، عهدنامه مرزی و پروتکل‌های آن، چنان که بارها در متن این اسناد آمده، «علاقه صمیمانه» به حل همه اختلافها میان دو کشور، ایجاد «رابطه‌های دوستی و حسن همجواری»، «برقراری دورانی تازه در مناسبات دوستانه» دو کشور و «دایمی، قطعی و تغییرناپذیر بودن» مرزهای زمینی و رودخانه‌ای میان دو کشور بوده و هست.

بند ۳ ماده ۳۱ کنوانسیون وین نیز مقرر می‌دارد در مورد تفسیر يك واژه یا اصطلاح باید «همراه با مفهوم کلی آن» نکته‌های زیر مورد توجه قرار گیرد:

«الف- هر توافق بعدی میان کشورها در مورد تفسیر قرارداد یا اجرای مواد آنها».

ایران و عراق پس از امضای سندهای یاد شده، موافقتنامه دیگری در مورد تفسیر قراردادها امضا نکرده‌اند، زیرا پیشتر در عهدنامه مرزی-ماده ۶ آن- توافق کرده بودند که «در صورت اختلاف درباره تفسیر یا اجرا» چگونه باید رفتار کنند. بخش الف از بند ۳ ماده ۳۱ گویای اهمیتی است که کنوانسیون وین به توافق طرفهای قرارداد درباره تفسیر می‌دهد و به کشورهای امضاکننده قرارداد تأکید می‌کند که در تفسیر خود از يك واژه یا اصطلاح در قرارداد، توافقیهای خود را در نظر داشته باشند و بر پایه آن تفسیر کنند. چنان که پیش از این گفته شد، ایران و عراق، بر پایه ماده ۶ عهدنامه مرزی حق تفسیر نهایی را از خود سلب کرده‌اند. . . .

کنوانسیون وین در بخش ۵ درباره «بی اعتبار شدن، فسخ و تعلیق اجرای قراردادها» بحث می‌کند و در بند ۲ ماده ۴۲ مقرر می‌دارد «فسخ يك قرارداد، الغای آن یا انصراف يك طرف از قرارداد تنها می‌تواند با استناد به مواد قرارداد یا مواد کنوانسیون حاضر انجام گیرد.»

در این زمینه که در موافقتنامه الجزیره، عهدنامه مرزی و پروتکل‌های آن هیچ ماده یا هیچ قرینه‌ای، چه آشکارا و چه ضمنی، در مورد لغو یا فسخ آنها وجود

ندارد، بلکه برعکس، آگاهانه و مصممانه بر دوام همیشگی آنها تأکید گردیده، بیشتر توضیحات لازم داده شده است.

بند ۱ از ماده ۵۶ کنوانسیون وین مقرر می‌دارد «قراردادی را که در آن ماده‌ای راجع به فسخ وجود نداشته باشد و الغا یا انصراف از قرارداد در آن پیش بینی نشده باشد نمی‌توان لغو کرد یا از آن چشم پوشید، مگر در موارد زیر:

الف- محرز شود که طرفهای قرارداد قصد داشته‌اند امکان الغای قرارداد یا انصراف از آن را بپذیرند؛  
ب- ماهیت قرارداد به گونه‌ای ضمنی دلالت بر حق الغای قرارداد یا انصراف از آن داشته باشد.»

طبق بند ۱ از ماده ۵۶، اگر در متن قراردادی به گونه صریح ماده‌ای درباره فسخ یا لغو آن وجود نداشته باشد، اصولاً ممکن نیست چنین قراردادی را لغو کرد و آن را از اعتبار انداخت. امضاکنندگان کنوانسیون وین متوجه اهمیت ویژه لغو قراردادها در رابطه‌های کشورها بوده‌اند و اصل را بر آن گذاشته‌اند که اعتبار قراردادها حفظ شود مگر آنکه طرفهای قرارداد از پیش درباره امکان لغو و شرایط لغو آن توافق کرده باشند. . . .

تنظیم کنندگان کنوانسیون وین در همخوانی با منشور ملل متحد که هدف بنیادی آن حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و ایجاد شرایطی است که در چارچوب آن، کشورها با یکدیگر رابطه‌های دوستانه و حسن همجواری داشته باشند، به درستی می‌دانسته‌اند که لغو قرارداد چه خطرهایی می‌تواند متوجه صلح و امنیت منطقه و جهان کند و از همین رو با تأکید بر لزوم پایبندی به قراردادها، از دولت‌ها خواسته‌اند از لغو قراردادها به طور کلی خودداری کنند و با توضیحاتی که پیشتر داده شد، آشکار است که در موافقتنامه الجزیره یا عهدنامه مرزی یا پروتکلها، ماده‌ای یا نشانه‌ای از قصد برای لغو وجود ندارد و هیچ يك از این اسناد متضمن چنین حقی نیز نیست.

با توجه به استدلال بالا و بر پایه بند ۱ از ماده ۵۶، نه دولت عراق مجاز است موافقتنامه الجزیره، عهدنامه مرزی و پروتکلها را لغو کند، نه دولت ایران.

بند ۲ از ماده ۵۶ کنوانسیون، محدودیت سنگین

○ همه قرار دادهای ایران و عراق به شماره‌های ۱۴۹۰۳ تا ۱۴۹۰۷ در دبیرخانه سازمان ثبت شده است. ثبت قرار دادهای در دبیرخانه سازمان دارای آثار حقوقی و یادآور آن است که کشور امضاکننده قرار داد، همچنان که موظف به رعایت «دیگر منابع حقوق بین الملل» و از جمله منشور ملل متحد است، باید تعهدهای خود در قرار داد را نیز رعایت و اجرا کند.

می‌خواهد به توافقات خود احترام بگذارد و بر پایه آنها عمل کنند... و می‌دانیم که ایران و عراق در ماده ۶ عهدنامه مرزی توافق کرده‌اند «در صورت اختلاف درباره تفسیر یا اجرای عهدنامه و سه پروتکل و ضمیمه آنها» چگونه باید رفتار کنند....

بند ۴ از ماده ۶۵ حکمی روشن و قاطع می‌دهد. کنوانسیون وین که توافقاتی ویژه دو کشور در زمینه چگونگی حل اختلافات فی‌مابین را همیشه بر راهکارهای کلی خود ترجیح داده است، در بند ۴ از ماده ۶۵ بار دیگر تأکید می‌کند که اگر طرفین، در قرار داد خود توافق کرده باشند که اختلاف را چگونه حل کنند، باید نکته‌های مذکور در بندهای ۱، ۲ و ۳ را نادیده بگیرند و بر پایه توافق خود عمل کنند؛ و چنان که بیشتر گفته شد، ایران و عراق در ماده ۶ عهدنامه مرزی شیوه حل اختلافات احتمالی خود را روشن ساخته‌اند.

با توجه به آنچه گفته شد، لغویکجانبه پیمان الجزیره، قرار داد مرزی و پروتکل‌های آن بعنوان اسناد معتبر بین المللی، به هر عنوان و به هر بهانه، به حکم مواد صریح مذکور در متن قرار دادهای بالا، مواد منشور ملل متحد، اعلامیه اصول حقوق بین الملل و مواد کنوانسیون وین غیر قانونی و از دید حقوقی یکسره مردود است.

دیگری برقرار می‌کند و مهلتی را که باید برای لغو قرار داد یا انصراف از آن در نظر گرفت تعیین می‌نماید: «هر طرف باید قصد خود را در مورد الغای قرار داد مشمول بند ۱ یا انصراف از آن، در مدتی که کمتر از ۱۲ ماه نباشد اعلام کند». به موجب این بند حتی در مورد قرار دادهایی که در آن ماده‌ای راجع به لغو وجود ندارد، ولی مشمول بخشهای الف و ب از بند بالا است، باید دست کم ۱۲ ماه برای لغو آن قرار دادهای مهلت داد....

ماده ۶۰ کنوانسیون که از مواد مهم آن به شمار می‌آید مربوط به «فسخ یا تعلیق اجرای يك قرار داد به علت نقض آن» است. این ماده تنها درباره «نقض» سخن می‌گوید. بر پایه بند ۱ از ماده ۶۰ «نقض اساسی ۱۷ قرار داد دوجانبه از سوی یکی از طرفها، به طرف دیگر قرار داد حق می‌دهد که با استناد به آن نقض، قرار داد را فسخ یا اجرای همه یا بخشی از آنرا معلق کند».

طبق بند ۳ از ماده بالا «نقض اساسی قرار داد از نظر مقاصد این ماده عبارت است از:

الف- انکار اعتبار قرار داد که طبق مواد این کنوانسیون تأیید نشود.

ب- تخلف از ماده‌ای که برای اجرای موضوع یا مقصود قرار داد ضرور بوده است».

در بند ۴ از ماده بالا تأکید می‌شود که «بندهای بالا به اعتبار هیچ ماده‌ای در قرار داد که در صورت نقض قابل اجرا خواهد بود لطمه نمی‌زند».

در بند ۴ از ماده ۶۰ کنوانسیون آمده است به لحاظ حقوقی اگر بین احکام بند ۴ و بندهای ۱ یا ۳ تناقضی باشد، حکم بند ۴ مقدم است... مفهوم آن این است که اگر در قرار داد ماده‌ای باشد که طرفین توافق کرده باشند در صورت نقض قرار داد، بر پایه آن ماده عمل کنند، طرفین قرار داد باید احکام بندهای ۱ و ۳ ماده ۶۰ کنوانسیون را نادیده بگیرند و بر پایه حکم مندرج در آن ماده‌ای که بر سر آن توافق کرده‌اند عمل کنند.

کنوانسیون بر پایه اصلی که در حقوق داخلی مجری است و ماده ۱۰ قانون مدنی ایران نیز آنرا تأیید می‌کند، برای توافقاتی خصوصی که مغایر قانون نباشد اهمیت برتر قایل است و آن توافق ویژه را بر احکام کلی ترجیح می‌دهد. در اینجا نیز، بند ۴ از ماده ۶۰، از همه کشورها